

رهیافت فرهنگ دینی

فصلنامه علمی تخصصی

سال اول - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۷

آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم از نظر دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس

سیروس محمودی^۱

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی آسیب‌ها و چالش‌های تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم از نظر دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس است. در این پژوهش از روش تحقیق کیفی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را تمامی مشاوران و دبیران معارف اسلامی دوره متوسطه دوم شهر شیراز است و با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۲ نفر از دبیران معارف اسلامی و ۹ نفر از مشاوران مدارس دخترانه و پسرانه (در سال ۱۳۹۷) به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش "مصاحبه نیمه ساختار یافته" استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از رویکرد توصیفی - تفسیری استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که به روز نبودن دانش دبیران معارف اسلامی و مربیان پرورشی، ناآشنایی برخی از معلمان و والدین دانش‌آموزان با خصوصیات دوره بلوغ، ناکافی بودن برنامه‌های پرورشی مدارس، تأثیر مخرب بیکاری فزاینده جوانان بر روحیه دینی دانش‌آموزان، وجود فقر در برخی از خانواده‌ها، الگو برداری نامناسب برخی از دانش‌آموزان از چهره‌های هنری و ورزشی، ناکافی بودن امکانات تفریحی ورزشی برای دانش‌آموزان، تأثیر منفی برنامه‌های ماهواره بر تربیت دینی دانش‌آموزان، استفاده نامناسب از فضای مجازی، پابند نبودن برخی از خانواده‌ها به آداب و رسوم دینی، نامناسب بودن اخلاق و رفتار دینی برخی از معلمان، عدم توجه محتوای درسی معارف اسلامی به نیازهای

^۱ استادیار (عضو هیأت علمی) دانشگاه پیام نور، گروه علوم تربیتی

رشدی دانش‌آموزان، وجود اعتیاد در برخی از دانش‌آموزان، نمره محوری و تأکید بر حفظ مفاهیم از مهم‌ترین چالش‌ها و موانع تربیت دینی در دوره متوسطه دوم است.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، آسیب‌شناسی، دبیران معارف اسلامی، مشاوران مدارس

مقدمه

انسان شگفت‌ترین مخلوق خداوند و والاترین نشانه قدرت حق است. انسان مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است و آفریده شده است تا به مقام «خلیفه الهی» برسد و این سیر جز با تربیت دینی میسر نمی‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

تربیت دینی، هر گونه فعالیت هدفمندی است که به منظور ایجاد شناخت و باور به معارف دینی و تقویت آن، گرایش به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و التزام عملی به احکام و دستورهای دینی مطرح می‌شود و در مجموع زمینه ساز تکوین هویت دینی و رشد متعادل دین‌داری در متربی در همه جنبه‌ها گردد (صادق زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱). از نظر خسرو باقری تربیت دینی، "رشد و تقویت عقاید دینی، حالات و عواطف مذهبی و تقید به مناسک و آداب دینی برای تحقق شخصیتی دیندار است" (باقری ۱۳۸۰، ص ۷). دایره‌المعارف بین‌المللی تربیت، تربیت دینی را چنین تعریف می‌کند: «تدریس منظم و برنامه‌ریزی شده که هدف آن دستیابی فرد به اعتقادهایی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی و زندگی و ارتباط انسان با پروردگارش و دیگر انسان‌هایی که در جامعه با آن‌ها زندگی می‌کنند و بلکه با همه آحاد بشر است» (مشایخی راد، ۱۳۸۵، ص ۷۰).

پیترز^۱ یکی از فیلسوفان تحلیلی معاصر معتقد است که اگر تربیت دینی فقط به برخی اعتقادات و عادت‌های فرد تکیه نماییم، بدون اینکه این رفتارها و عادت‌ها، پشتوانه عقلی داشته باشد و چشم‌انداز شناختی در آنان ایجاد شده باشد، نمی‌توانیم آن را تربیت دینی بنامیم. تربیت دینی باید در فرد تغییر نگرش ایجاد کند و نگرش او را نسبت به خودش، هستی و اهدافش تغییر دهد و این تغییر نگرش به رفتارهای او جهت دهد. با توجه به معیارهای پیترز چنین استنباط می‌شود که شناخت دین و آموزه‌های دینی با تربیت دینی برابر نیست؛ بلکه وقتی آموزه‌های دینی سبب تغییر نگرش شوند و چشم‌انداز شناختی در فرد ایجاد کنند، تربیت دینی نام می‌گیرند (کار، ۱۹۹۸، ص ۵۸). در واقع تربیت دینی عبارت است از: «مجموعه اعمال عمدی و هدف دار به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد است به نحوی که افراد در نظر و عمل به آن آموزه‌ها متعهد و پای بند شوند (داوودی، ۱۳۸۴، ص ۲۶). باقری نیز تربیت دینی را چنین تعریف کرد: «شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان‌برگزیدگی او را به

¹ Peters

² Carr

عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر (باقری ۱۳۸۳، ص ۳۴).

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های نظام تعلیم و تربیت، پرورش انسان‌های مؤمن و متقی است. در چند دهه اخیر تلاش‌های فراوانی برای بهبود تربیت دینی در کشور انجام شده است، ولی وضعیت کنونی، نشان دهنده این است که این امر با مشکلات و دشواری‌های فراوانی روبرو است (باهر، ۱۳۷۸، ص ۱۴). برای به ثمر رسیدن تلاش‌هایی که در حوزه تربیت دینی انجام می‌شود، ابتدا باید آسیب‌ها و موانع تربیت دینی به خوبی شناخته شود و تا حد ممکن این موانع برطرف گردد. در رابطه با آسیب‌شناسی تربیت دینی تا کنون پژوهش‌های متعددی انجام شده است. دلبری (۱۳۸۷) آسیب‌های تربیت دینی را از دیدگاه شهید بهشتی مورد بررسی قرار داده است، وی از بی‌توجهی به نیازهای جسمی افراد، بی‌توجهی به نقش الگویی والدین، تضاد میان دو نسل، تضاد میان برنامه‌ریزی‌های محیط اجتماعی و رسانه‌ها با اهداف تعلیم و تربیت دینی، عدم مطابقت قول و فعل مربیان، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و نداشتن جاذبه را به عنوان آسیب‌های تربیت دینی معرفی نموده است. پورنیکبختی (۱۳۹۱) بی‌توجهی مربیان به مراحل رشد را ریشه اغلب آسیب‌های تربیت دینی می‌داند وی معتقد است که مربیان بدون توجه به مراحل رشد، با شتابزدگی هر مطلبی را به هر فردی و در هر شرایط و سنی منتقل می‌کنند. در صورتی که باید به اندازه ظرفیت ذهنی و آمادگی کودک در هضم و جذب پیام‌های تربیتی توجه شود.

حاجی ده آبادی (۱۳۸۰ الف) تاریخی جلوه‌دادن اسوه‌های دینی، تعمیم‌های الگویی نادرست، فرا انسانی جلوه دادن الگوهای دینی، تقدس زدایی از الگوهای دینی، عدم ارائه مصادیق و نمونه‌های واضح از زندگی الگوها و پردازش مبهم الگوهای دینی را از آسیب‌های تربیت دینی می‌داند

قایمی مقدم (۱۳۸۵، ص ۱۹) از نام‌گذاری نامناسب و لقب‌های زشت، تبعیض و بی‌عدالتی در رفتار مربیان با متربیان، اکراه، اجبار و تحمیل، تحقیر و اهانت، جدال و مرء و ناهماهنگی در گفتار و رفتار مربیان را به عنوان روش‌های آسیب‌زا در تربیت معرفی نموده است. دانشگر، جعفری و لیاقت دار (۱۳۸۵) شیوه مدیریتی مدرسه، ویژگی‌های شخصیتی معلمان، محتوای کتاب‌های دینی، بعد ساختاری مدرسه و در نهایت بعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه را به عنوان زمینه‌های آموزشی آسیب‌پذیری تربیت دینی معرفی نموده است.

همت به ناری (۱۳۸۰) موانع تربیت دینی را به عوامل درونی (عوامل مربوط به خود نوجوانان و جوانان) و عوامل بیرونی (عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش و خارج از نظام آموزش و پرورش) تقسیم بندی نموده است. ساجدی (۱۳۸۶) آموزش یکنواخت، بی حرکت و غیر فعال، فقدان ممارست، روش تحکم و تحمیل، غفلت از شیوه مناظره، کلیشه‌های غیر بومی، اکتفا به شیوه مستقیم، سطحی و غیر مستمر، کاستی در سبک الگویی و عدم استفاده از هنر را به عنوان روش‌های آسیب‌زا در تربیت دینی معرفی

نموده است.

نگارش و دامن پاک (۱۳۸۸) استفاده از روش‌های نادرست در تربیت اسلامی، عدم توجه به ساختار روان‌شناسی دوره نوجوانی، ضوابط نادرست آموزش و پرورش در سیاست‌گذاری‌ها و ارزیابی دروس دینی و قرآن، برنامه‌ریزی نادرست و امکانات کم مدرسه را از عوامل آسیب‌زا در تربیت دینی مدارس بیان نموده است.

شمشیری و نوذری (۱۳۹۰) چالش‌های پیش‌روی تربیت دینی را در شرایط فعلی به حوزه‌های زیر محدود نموده‌اند. الف: چالش‌هایی که به عملکرد مسؤلان برمی‌گردد و سازمان‌های بالا دست و برنامه‌ریز و سازمان‌های با مسؤلیت پایین‌تر را در بر می‌گیرد. ب: آسیب‌هایی که متوجه مریبان است. گزینش ناصواب مریبان و عدم صلاحیت علمی، اعتقادی، انگیزشی و نداشتن هنر لازم برای مریبگری است. تعارض بین گفته‌ها و عمل مریبی، حرف‌های وی را بی‌تأثیر می‌کند. این تعارض وقتی پیچیده‌تر می‌شود که بین اعمال و رفتار مسؤلان تربیتی و آموزشی و غیره دیده شود. ج: آسیب‌هایی که مربوط به حوزه خانواده می‌شود، تنوع فرهنگ‌ها و تفکرات خانواده باعث می‌شود که توجه آن‌ها و همگام کردن آن‌ها با اهداف تربیت دینی سخت‌تر شود. تعارض بین خانواده و مدرسه می‌تواند اثرات تربیت دینی را از بین ببرد. د: آسیب‌های مربوط به اهداف، روش‌ها، محتوا و عدم توجه به اصول تربیت دینی است. آسیب‌های مهم در زمینه اهداف که به روح حاکم بر آموزش و پرورش برمی‌گردد، در مدارس هدف اصلی رشد علمی و افزایش محفوظات و ارزشیابی بر مبنای این محفوظات است. عدم توجه به نیازهای کودک نیز از جمله چالش‌های این حیطه می‌باشد.

دلشاد تهرانی (۱۳۸۰، ص ۳۵۰) در پژوهشی به بیان آسیب‌شناسی دین‌داری از منظر نهج البلاغه پرداخته است. وی آفت‌های دینداری را به دو دسته درون دینی و برون دینی تقسیم نموده است، منظور نویسنده از آسیب‌های درون دینی، آسیب‌هایی است که به نحوه رویکرد به دین، فهم و تلقی از دین، نوع معرفت دینی و شیوه دین‌داری مربوط می‌شود. اکراه و اجبار در دین، بد فهمیدن دین، نارسایی مفاهیم دینی، عدم تدرج و تمکن در تربیت، به تکلف کشاندن دینداری، تحریف معنوی مفاهیم دینی، و عدم رعایت اصل تسهیل و تبشیر از آسیب‌های درون دینی است و مراد از آسیب‌های برون دینی آن‌هایی است که به عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پیوند خورده و به دین مربوط می‌شود. رفتار خودکامه از جانب متولیان دین، عدم رعایت حقوق مردم، فقر و کمبودها، خشونت‌های منتسب به دین و استفاده ابزاری از دین از موارد آسیب‌های برون دینی است.

کریمی (۱۳۷۴، ص ۷۸) بین معرفت دینی (حس مذهبی) و دانش دینی تفاوت قائل می‌شود، وی معتقد است که شرط قطعی دیندار بودن و دیندار شدن، تراکم اطلاعات و اندوخته‌های حفظی و صوری دانش دینی نیست. تجاسب (۱۳۷۹، ص ۸۰) یکی از آسیب‌های تربیت دینی را انباشت مغز فراگیران از معارف

دین می‌داند. وی بر جنبه عرفانی و زیبایی‌شناسی در تربیت دینی تأکید دارد. (باهنر، ۱۳۷۸، ص ۳) تصریح نموده است که عدم توجه به روان‌شناسی دانش‌آموزان در تربیت دینی، یکی از بزرگ‌ترین غفلت‌هایی است که در زمینه آموزش دینی در جامعه ما صورت می‌گیرد. حاجی ده‌آبادی (۱۳۸۰ ب) در بررسی منابع موجود درباره آسیب‌شناسی تربیت دینی، به این نتیجه رسیده است که تبیین و تحلیل دقیق آسیب‌شناسی تربیت دینی نیازمند پژوهش و تحقیق پیرامون ماهیت تربیت دینی، اصول و قواعد تربیت دینی، روش‌های تربیت دینی، مسائل نظری مهم در تربیت دینی، عوامل و نهادهای تربیت دینی و موانع و مشکلات تربیت دینی است. چراغ چشم (۱۳۸۶) تربیت دینی مبتنی بر الزام و اجبار، بی‌توجهی به عواطف جهت انتقال باورهای دینی، پرداختن به جنبه‌های رفتاری تربیت دینی به جای جنبه معرفتی، عدم بهره‌مندی از معلمان متخصص و متدین در امر تربیت دینی، نداشتن برنامه جامع تربیت دینی در تمام سنین، کارایی ضعیف مریبان قرآن و عدم توانمندی آن‌ها در امر تدریس و عدم استفاده از وسایل کمک آموزشی را از آسیب‌های تربیت دینی معرفی نموده است. کشاورز (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تربیت دینی را از منظر برنامه‌ریزی درسی، محتوی، روش‌های یاددهی - یادگیری و ارزشیابی مورد بررسی قرار داده است. این پژوهشگر، فقدان برنامه‌ریزان و کارشناسان با صلاحیت در طراحی و تولید برنامه درسی دینی، عدم توجه به نیازها و انگیزه‌های دانش‌آموزان، بیان مفاهیم با ادبیات ثقیل و غیرقابل درک، وابستگی به منابع بیرونی تشویق و تنبیه، استفاده از روش‌های آموزشی سنتی و تأکید بر حفظ مطالب و شیوه سنتی امتحان و ارزشیابی دانش‌آموزان از طریق نمره را به عنوان آسیب‌های تربیتی معرفی نموده است. صالحی (۱۳۸۸) موانع تربیت دینی را از منظر نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله، جهل و نادانی، عجب و خودپسندی، حب دنیا، عالمان بی عمل یا بد عمل، استفاده ابزاری از دین به عنوان موانع تربیت از منظر نهج البلاغه تبیین شده‌اند. رحمان پور و میرشاه جعفری (۱۳۹۵) برخوردهای تعصب آمیز و قشری گونه، کج فهمی‌ها، بدفهمی‌های دینی از سوی افراد و هم‌چنین ناکارآمدی نظام‌های تربیت دینی را به عنوان مهم‌ترین آسیب‌های تربیت دینی معرفی نموده‌اند.

محمودی (۱۳۹۶)، تأثیر مخرب شبکه‌های ماهواره‌ای، استفاده نامناسب از فضای مجازی، مشکلات اقتصادی و دغدغه‌های شغلی دانشجویان، تبلیغات ناکارآمد دینی و ضعف عملکرد کانون‌های دینی، ناهماهنگی در گفتار و رفتار والدین، تدریس دروس معارف به وسیله مدرسین کم تجربه، به روز نبودن کتب معارف اسلامی، عدم وجود تعامل مناسب بین دانشگاه و حوزه علمیه، فعالیت ناکافی نهادهای مذهبی در دانشگاه، نمره گرایی و کاهش مشارکت دانشجویان در مباحث دینی را به عنوان موانع و آسیب‌های تربیت دینی معرفی نموده است.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مقالات و کتاب‌های متعددی در زمینه آسیب‌شناسی تربیت دینی وجود دارد ولی تاکنون دیدگاه دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس در زمینه آسیب‌ها و

چالش‌های تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم بررسی نشده است. با توجه به اینکه در دوره متوسطه دوم، تفکر انتزاعی دانش‌آموزان به خوبی رشد یافته است، دانش‌آموزان این مقطع سنی، آمادگی مطلوبی برای پرداختن به امور دینی و مذهبی دارند. شناسایی آسیب‌ها و موانع پیش‌روی تربیت دینی دانش‌آموزان و بررسی منشأ پیدایش این آسیب‌ها کمک می‌کند تا در جهت رفع آن‌ها برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری انجام شود و از برخورد سطحی با آن‌ها پرهیز شود. دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس، با روحیات مذهبی و موانع تربیت دینی دانش‌آموزان آشنایی بیشتری دارند. بررسی دقیق نظریات این افراد می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد. از این‌رو در این پژوهش سعی شده است با بهره‌گیری از دیدگاه‌های این افراد، تا حد ممکن، چالش‌ها و آسیب‌های تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شناسایی شود. و بر اساس این چالش‌ها، راه‌کارهایی برای بهبود وضعیت تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه ارائه شود. این مطالعه در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر می‌باشد.

۱- آسیب‌پذیری‌های تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم بر اساس نظر دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس کدام است؟

۲- راه‌حل‌های مناسب برای درمان آسیب‌های شناسایی شده بر اساس نظر دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس چیست؟

روش پژوهش

در این پژوهش از طرح تحقیق کیفی استفاده شده است. در پژوهش‌های کیفی، مصاحبه یکی از روش‌های شناخته شده‌ای است که به هنگام جمع‌آوری داده‌ها به صورت فزاینده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد (مارشال و راسمن؛ ۱۳۸۱، ص ۱۱۱). برخی از محققان مصاحبه را مطمئن‌ترین و بهترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات می‌دانند (کوهن و مانین؛ ۱۹۸۶، ص ۳۰۷). در این پژوهش برای پی‌بردن به آسیب‌های تربیتی پیش‌روی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم از روش "مصاحبه نیمه ساختار یافته" استفاده شده است. "مصاحبه نیمه ساختار یافته" مصاحبه‌ای است که در آن سؤالات مصاحبه از قبل تعیین می‌شود و از تمام مصاحبه‌شوندگان پرسش‌های مشابه پرسیده می‌شود. (گال و بورگ؛ ۱۳۸۴، ص ۵۳۲؛ به بی؛ ۱۳۸۴، ص ۶۰۰). در جلسات مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان درخواست می‌شد که به دو سؤال کلی پاسخ دهند: ۱- آسیب‌پذیری‌های تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم کدام است؟ ۲- برای به حداقل رساندن این آسیب‌ها چه راه‌حل‌هایی پیشنهاد می‌نمایید؟

¹ Marshall&Rossman

² Cohen&Manion

³ Gall&Borg

⁴ Babi

جامعه آماری پژوهش شامل تمام مشاران و دبیران معارف اسلامی شهر شیراز (سال تحصیلی ۹۶-۹۷) می‌باشد. در این تحقیق از شیوه نمونه گیری هدفمند استفاده شده است، یعنی نمونه‌ها انتخابی است و نمونه‌هایی که ما را بیشتر به پاسخ‌های واقعی نزدیک می‌کند، انتخاب شده‌اند بنابراین تعدادی از دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس متوسطه دوم به عنوان نمونه هدفمند انتخاب شدند و دیدگاه‌های آن‌ها پیرامون آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه دوم از طریق مصاحبه به دست آمد. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۲ نفر از دبیران معارف اسلامی و ۹ نفر از مشاوران مدارس بوده است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از رویکرد توصیفی - تفسیری استفاده شده است. بر این اساس، ابتدا اطلاعات گردآوری شده را بدون اعمال نظر و بدون توجه به چرایی آن توصیف کرده و بعد با استفاده از تفکر و استدلال به تحلیل اطلاعات پرداخته شده است. (شی یه و شانون، ۲۰۰۵، ص ۱۲).

یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های پژوهش بر مبنای سؤالات پژوهش ارائه می‌شود.

۱. آسیب پذیری‌های تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه دوم بر اساس نظر دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس کدام است؟
۲. به روز نبودن دانش دبیران معارف اسلامی و مربیان پرورشی

به عقیده مصاحبه شونده‌گان، در وضعیت فعلی به به علت رشد سرسام آور وسایل ارتباطی (از جمله ماهواره، اینترنت، شبکه‌های مجازی و غیره)، دانش آموزان با پرسش‌ها و ابهامات پیچیده‌ای روبرو هستند و دانش دبیران معارف اسلامی و مربیان پرورشی، پاسخگوی پرسش‌ها، ابهامات و نیازهای دانش آموزان امروزی نمی‌باشد. و در آموزش و پرورش نیز تلاش هدفمند و منسجم برای ارتقاء و به روز نمودن دانش معلمان انجام نمی‌شود. این یافته با پژوهش‌های دانشگر و همکاران (۱۳۸۵)، چراغ چشم (۱۳۸۶) و شمشیری و نوذری (۱۳۹۰) هماهنگ می‌باشد. در شرایط کنونی استکبار جهانی و وهابیت در تلاش هستند تا با کمک شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی ابهامات و شبه‌های فراوانی در ذهن مردم و به‌ویژه نوجوانان و جوانان ایجاد نمایند. چنین شرایطی ایجاب می‌کند که دبیران معارف اسلامی و مربیان پرورشی با دانش روز، مسائل اجتماعی و شیوه نوین تدریس آشنایی کامل داشته باشند.

نا آشنایی برخی از معلمان و والدین دانش‌آموزان با خصوصیات دوره بلوغ

به عقیده مصاحبه شونده‌گان، دوره بلوغ، دوره‌ای با ویژگی‌های خاص می‌باشد و والدین و معلمان باید در این دوره رفتار سنجیده تر و محتاطانه‌ای با دانش‌آموزان داشته باشند. برخی از معلمان و والدین به علت ناآشنایی با خصوصیات دوره بلوغ، مشکلات زیادی برای دانش‌آموزان ایجاد می‌نمایند. این مشکلات می‌تواند فرآیند دین‌گزینی دانش‌آموزان را تشدید نماید. این یافته با یافته‌های تحقیقات دلبری (۱۳۸۷) و باهنر (۱۳۷۸) هماهنگ می‌باشد. در دوران بلوغ به دلیل ترشح هورمون‌های خاص، افراد شرایط جسمی و روحی - روانی خاصی دارند. در چنین شرایطی باید در تعامل با این افراد به این ویژگی‌ها توجه شود.

- ناکافی بودن و عدم تناسب برنامه‌های پرورشی مدارس با وضعیت روحی و روانی دانش‌آموزان

به عقیده مصاحبه شونده‌گان، در حال حاضر، برنامه‌های پرورشی مدارس بسیار مبهم و نارسا است. این برنامه‌ها، هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی جوابگوی نیازهای روحی - روانی دانش‌آموزان این مقطع نمی‌باشد. این مسأله سبب می‌شود که دانش‌آموزان برای برطرف نمودن نیازهای روحی - روانی خود به گونه‌ای افراطی به فضای مجازی روی بیاورند و این مشکل در فرآیند تربیت دینی دانش‌آموزان اختلال جدی ایجاد می‌کند. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های دانشگر، جعفری و لیاقتدار (۱۳۸۵) و نگارش و دامن پاک (۱۳۸۸) هماهنگ می‌باشد. دانش‌آموزان بخش عمده‌ای از وقت خود را در مدارس سپری می‌کنند، ناکافی بودن و عدم تناسب برنامه‌های پرورشی مدارس سبب سرخوردگی دانش‌آموزان می‌شود و آن‌ها برای ارضای نیازهای روحی و روانی خود به فضای مجازی روی می‌آورند.

- تأثیر مخرب بیکاری فزاینده جوانان بر روحیه دینی دانش‌آموزان

به عقیده مصاحبه شونده‌گان، در حال حاضر، در بیشتر خانواده‌های ایرانی، فارغ‌التحصیلان بیکار فراوانی وجود دارد و این مسأله بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، تأثیر منفی دارد و سبب بی‌رغبتی دانش‌آموزان به امر تحصیل می‌شود. در واقع افت تحصیلی، نقش مهمی در افت تربیت دینی دانش‌آموزان خواهد داشت. این یافته با نتایج پژوهش محمودی (۱۳۹۶) هماهنگ می‌باشد.

- وجود فقر در برخی از خانواده‌ها

به عقیده مصاحبه شونده‌گان، وجود فقر در برخی از خانواده‌ها، سبب دین‌گزینی و انجام اعمال ناشایست از طرف اعضای این گونه خانواده‌ها می‌شود. فقر اقتصادی، فقر فرهنگی و معنوی و مشکلات جسمی و کاهش بهره‌هوشی را به دنبال خواهد داشت. این مشکلات قطعاً بر تربیت دینی دانش‌آموزان تأثیر مخربی خواهد داشت. این یافته با نتایج تحقیق دلشاد تهرانی (۱۳۸۰) هماهنگ می‌باشد.

- الگو برداری نامناسب برخی از دانش آموزان از چهره‌های هنری و ورزشی

به عقیده مصاحبه شوندگان، در دوره متوسطه، روش تربیت الگویی نقش مهمی دارد. برخی از دانش آموزان در فرایند تربیت الگویی به گونه‌ای احساسی، چهره‌های ورزشی و هنری را به عنوان الگوی خود انتخاب می‌کنند و در تقلید رفتار این چهره‌ها افراط می‌کنند. این مسأله می‌تواند در فرآیند تربیت دینی اختلال جدی به وجود آورد. این یافته با نتایج پژوهش حاجی ده آبادی (۱۳۸۰) و ساجدی (۱۳۸۶) هماهنگ می‌باشد.

ناکافی بودن امکانات تفریحی - ورزشی برای دانش آموزان دوره متوسطه دوم

در کشور ما امکانات تفریحی - ورزشی مورد نیاز دانش آموزان مقطع متوسطه دوم ناکافی می‌باشد و در صورت وجود امکانات تفریحی - ورزشی، برخی از خانواده‌ها، توان پرداخت هزینه‌های این خدمات را ندارند. این مسأله می‌تواند دانش آموزان را به سمت و سوی فعالیت‌های غیرقانونی و غیر شرعی سوق دهد. یافته‌های پژوهش نگارش و همکاران (۱۳۸۸) با این نتایج همسو است.

- تأثیر منفی برنامه‌های ماهواره بر تربیت دینی دانش آموزان:

به عقیده مصاحبه شوندگان، بیشتر خانواده‌های ایرانی از اثرات پنهان، تدریجی و مخرب ماهواره مطلع نیستند. هدف بیشتر برنامه‌های ماهواره ای، ترویج فرهنگ غربی و دین‌گریزی نوجوانان و جوانان کشورهای اسلامی می‌باشد. از این رو، گسترش برنامه‌های ماهواره‌ای بین خانواده‌های ایرانی می‌تواند دین‌گریزی دانش آموزان را تشدید نماید. محمودی (۱۳۹۶) نیز در مطالعات خود دریافت ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی غیر اخلاقی، بر تربیت دینی دانش آموزان، تأثیر منفی دارند.

- استفاده نامناسب از فضای مجازی:

یکی دیگر از آسیب‌های تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه، استفاده نامناسب از فضای مجازی است. برخی از دانش آموزان به گونه‌ای افراطی درگیر فضای مجازی می‌شوند و برخی نیز در فضای مجازی به دنبال سوژه‌های خاص خود هستند. این مسأله سبب اختلال در رشد تربیت دینی دانش آموزان می‌شود.

- پایبند نبودن برخی از خانواده‌ها به آداب و رسوم دینی:

پایبند نبودن برخی از خانواده‌ها به آداب و رسوم دینی سبب می‌شود که آموزش‌های مرتبط با تربیت دینی در مدارس، نتیجه بخش نباشد. در واقع تربیت دینی زمانی محقق خواهد شد که پدر و مادر و سایر اعضای خانواده، متخلق به اخلاق اسلامی و آداب و رسوم دینی باشند. این یافته با یافته‌های تحقیقات شمشیری و نوذری (۱۳۹۰) مبنی بر هماهنگی و همسویی خانواده‌ها با فعالیت‌های تربیتی، هماهنگ می‌باشد.

- نامناسب بودن اخلاق و رفتار دینی برخی از معلمان:

معلمان به عنوان الگوی عملی دانش‌آموزان مطرح می‌باشند. در مواردی مشاهده می‌شود که معلمان پایبندی چندانی به اعتقادات و آداب و رسوم دینی ندارند. رفتار، منش و شخصیت معلمان نمونه عینی از ارزش‌های اسلامی نیست. این مسأله می‌تواند فرآیند دین‌گریزی دانش‌آموزان را تشدید نماید. همچنان که یافته‌های پژوهش قائمی مقدم (۱۳۸۵)، شمشیری و نوذری (۱۳۹۰)، صالحی (۱۳۸۸) موید این واقعیت است.

- عدم توجه محتوای درسی معارف اسلامی به نیازهای رشدی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم

برخی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که محتوای دروس معارف اسلامی دوره متوسطه، ارتباط چندانی با نیازهای رشدی دانش‌آموزان ندارند. این مشکل سبب می‌شود که دانش‌آموزان رغبتی به مسائل مطرح شده در این دروس نداشته باشند و صرفاً برای کسب نمره به حفظ مفاهیم بپردازند. این یافته با یافته‌های پژوهش باهنر (۱۳۷۸) همسو است.

- استفاده افراطی از کتاب‌های راهنما، تستی و کمک درسی در دوره متوسطه دوم

در دوره متوسطه دوم به وفور از کتاب‌های راهنما، تستی و کمک درسی استفاده می‌شود. این مسأله بر رشد تفکر دانش‌آموزان تأثیر منفی دارد. رشد قوه تفکر، یکی از پیش‌نیازهای اصلی رشد تربیت دینی دانش‌آموزان می‌باشد. از این رو مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که جویان کتاب‌های تستی و کمک درسی در دوره متوسطه می‌تواند رشد تربیت دینی را به تأخیر بیندازد.

- وجود اعتیاد در برخی از دانش‌آموزان

مصاحبه‌شوندگان معتقدند که سن اعتیاد در ایران رو به کاهش است. سهل‌الوصول بودن دسترسی به این مواد سبب شده است که برخی از دانش‌آموزان به مصرف مواد اعتیاد آور روی آورند. ورود برخی از دانش‌آموزان به این مقوله‌ها، زمینه‌ساز جرم‌ها و فسادهای گسترده این افراد در درازمدت خواهد شد.

- نمره محوری و تأکید بر حفظ مفاهیم در دوره متوسطه دوم

به عقیده مصاحبه‌شوندگان، وجود سیستم ارزشیابی کمی در دوره متوسطه دوم سبب شده است که دانش‌آموزان بیشتر بر کسب نمره و حفظ مطالب درسی تأکید داشته باشند و توجهی به تفکر و تدبیر در مطالب درسی نداشته باشند. این مسأله جنبه تربیتی و عبرت‌آموزی دروس (به‌ویژه دروس معارف اسلامی، تاریخ و غیره) را به شدت کاهش خواهد داد. این یافته با یافته‌های تجاسب (۱۳۷۹) و کشاورز (۱۳۸۷) همسو است.

سؤال دوم پژوهش:

۱- راه حل‌های مناسب برای بهبود آسیب‌های شناسایی شده بر اساس نظر دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس چیست؟

- کاهش مشکلات معیشتی اقتصادی معلمان

از دیدگاه مصاحبه شونده‌گان، معلمان زمانی در امر تربیت و به‌ویژه تربیت دینی توفیق پیدا می‌کنند که خود پژوهشگران و یادگیرندگان مداومی باشند. یک از مسائلی که می‌تواند کمک کند تا معلمان به این هدف برسند، کاهش مشکلات معیشتی و اقتصادی این قشر می‌باشد. بنابراین با رفع دغدغه‌های اقتصادی معلمان، آن‌ها می‌توانند از پرداختن به شغل‌های دوم و سوم خودداری نموده و همه‌ی تلاش و توان خود را بر امر تعلیم و تربیت تمرکز نمایند.

در روایات اسلامی بر مبارزه بنیادی و اساسی با فقر تأکید شده است. فقر، ریشه بسیاری از مشکلات اساسی کشور می‌باشد. وجود فقر در خانواده‌ها می‌تواند باعث سوء تغذیه و کاهش بهره‌ی هوشی دانش‌آموزان شود. بنابراین فقر در خانواده‌ها، می‌تواند برنامه‌های آموزش و پرورش مدارس را بی‌ثمر سازد. بنابراین ضروری است که مدیران و مشاوران مدارس، دانش‌آموزان فقیر و بی‌بضاعت را شناسایی نموده و با همکاری کمیته امداد و خیرین، زمینه رفع فقر و بخصوص رفع سوء تغذیه آنان را فراهم نمایند.

- حل معضل بیکاری جوانان

با وجود بیکاری فزاینده جوانان، امر تربیت دانش‌آموزان (به‌ویژه تربیت دینی) با مشکلات فراوانی روبرو است. حل مشکلات شغلی جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌تواند باعث افزایش روحیه و امید در بین دانش‌آموزان شود. بنابراین باید یکی از برنامه‌های اساسی دولتمردان، حل معضل بیکاری جوانان باشد.

توانمندسازی معلمان (دانش / مهارت) در جهت حل مشکلات تربیتی دانش‌آموزان گروهی از معلمان نخبه و متخصصین علوم تربیتی دائماً مشکلات تربیتی کشور را رصد نمایند و با برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت، هم دانش معلمان ارتقاء یابد و هم معلمان با مشکلات تربیتی کنونی و راه‌های مؤثر برخورد با این مشکلات آشنا شوند. معلمان و اولیاء دانش‌آموزان با خصوصیات دوره بلوغ و شیوه‌های مطلوب تعامل با دانش‌آموزان در این سن، آشنا شوند.

- ارتقاء سطح کیفی برنامه‌های پرورشی مدارس

گروهی از متخصصین تعلیم و تربیت، برنامه‌های پرورشی مدارس را بررسی نموده و با تدوین برنامه‌های برابرت‌ر، برنامه‌های پرورشی مدارس را هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی به سطح مطلوب برسانند.

-تلاش در جهت ایجاد جو و فضای دینی در محیط‌های ورزشی و هنری

دانش‌آموزان دوره متوسطه معمولاً از رفتارهای چهره‌های ورزشی و هنری تقلید می‌نمایند. بنابراین در صورتی که هنرمندان و ورزشکاران، متخلق به اخلاق اسلامی باشند، تأثیر بسیار مثبتی بر تربیت دینی دانش‌آموزان خواهد داشت. بنابراین باید در مراکز هنری و ورزشی، فعالیت‌های فرهنگی و دینی به بهترین صورت ممکن انجام شود. توسعه امکانات فرهنگی - تفریحی مساجد

امکانات تفریحی - ورزشی و فرهنگی در مساجد و مدارس توسعه یابد. توسعه این امکانات می‌تواند نقش مهمی در رشد تربیت دینی دانش‌آموزان داشته باشد.

- آگاه‌سازی خانواده‌ها از تأثیرات مخرب ماهواره

برنامه‌های ماهواره، تأثیرپنهان، تدریجی و مخرب بر فرهنگ جامعه دارد، بنابراین باید با انجام فعالیت‌های فرهنگی، خانواده‌ها را با اثرات ویرانگر برنامه‌های ماهواره‌ای آگاه نماییم.

- فعال نمودن انجمن اولیاء و مربیان در زمینه ارائه خدمات مشاوره دینی به افراد

فعالیت انجمن اولیاء و مربیان توسعه یابد و این انجمن، خانواده‌هایی را که مقید به آداب و رسوم اسلامی نیستند را شناسایی نموده و با انجام مشاوره مذهبی، زمینه گرایش این خانواده‌ها به فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی را فراهم نماید.

- گزینش و به‌کار گماری معلمان متخلق به اخلاق اسلامی

معلمان به عنوان یکی از الگوهای تربیتی دانش‌آموزان مطرح می‌باشند. بنابراین معلمان باید بیش از دیگران مراقب رفتارها و عملکرد خود باشند و متخلق به اخلاق اسلامی باشند.

- انطباق محتوی برنامه درسی معارف اسلامی با نیاز رشدی دانش‌آموزان

محتوای دروس معارف اسلامی به وسیله گروهی از متخصصین علوم تربیتی، روانشناسی و نخبگان حوزوی بررسی شود و ضمن بروز رسانی محتوای این دروس، به نیازهای رشدی و روانی دانش‌آموزان توجه بیشتری شود.

- تقویت و توسعه رشد شناختی و تعقل دانش‌آموزان

رشد قوه تفکر و تدبر دانش‌آموزان نقش مهمی در پرورش دانش‌آموزان و به‌ویژه تربیت دینی آن‌ها خواهد داشت. متأسفانه وفور بیش از حد کتاب‌های تستی، راهنما و کمک درسی، تا حد زیادی به پرورش تفکر دانش‌آموزان آسیب می‌زند. بنابراین توصیه می‌شود در وزارت آموزش و پرورش، کارگروهی برای کنترل و بررسی اثرات منفی این گونه کتاب‌ها ایجاد شود.

- تشکیل کارگروه‌های درمانگر اعتیاد دانش آموزان

با توجه به پایین آمدن سن گرایش به مواد مخدر در ایران، توصیه می‌شود در سازمان آموزش و پرورش هر استان، کارگروهی برای بررسی و مبارزه با این پدیده شوم تشکیل شود و با همکاری مشاوران مدارس وجود پدیده مذموم اعتیاد در مدارس ریشه کن شود.

- به کارگیری شیوه‌های متنوع و جذاب تدریس

توصیه می‌شود معلمان با شیوه‌های پیشرفته تدریس آشنا شوند و علاوه بر روش سخنرانی، از روش‌های پرسش و پاسخ، بحث گروهی و غیره استفاده نمایند و به جای تأکید بر نمره و محفوظات بر تفکر و تدبیر دانش آموزان تأکید داشته باشند.

- تعامل فعال با نخبگان حوزوی

توصیه می‌شود ضمن گسترده شدن تعامل حوزه‌های علمیه و آموزش و پرورش، زمینه حضور نخبگان حوزوی در آموزش و پرورش فراهم شود.

- برگزاری اردوهای زیارتی - تفریحی

با انجام اردوهای زیارتی - تفریحی زمینه گرایش بیشتر دانش آموزان به امور دینی فراهم شود.

بحث و نتیجه گیری

یکی از مهم‌ترین اهداف نظام تعلیم و تربیت، پرورش بعد دینی و مذهبی دانش آموزان می‌باشد. در چند دهه اخیر تلاش‌های فراوانی برای بهبود تربیت دینی دانش آموزان انجام شده است. اما پژوهش‌های مختلف و شرایط کنونی کشور نشان می‌دهد که ما با شرایط ایده آل فاصله زیادی داریم. در مقوله تربیت دینی، علاوه بر برنامه ریزی برای پرورش بعد دینی و مذهبی، شناسایی موانع و چالش‌های تربیت دینی نیز باید در دستور کار برنامه ریزان قرار گیرد. عدم توجه به چالش‌ها و موانع تربیت دینی، می‌تواند تمام تلاش‌ها برای پرورش بعد مذهبی و دینی را بی ثمر سازد. دوره متوسطه یکی از مهم‌ترین دوره‌های تحصیلی است. با توجه به رشد تفکر انتزاعی در دانش آموزان دوره متوسطه و بالا رفتن پتانسیل تفکر و تدبیر در دانش آموزان این دوره، باید به رشد مذهبی و دینی در این دوره توجه ویژه‌ای داشته باشیم. تربیت دینی در دوره متوسطه با چالش‌ها و موانع خاصی روبرو است. شناسایی و حل و فصل این چالش‌ها و موانع می‌تواند در بهبود تربیت دینی دانش آموزان نقش بسیار مهمی داشته باشد.

در این پژوهش آسیب‌ها و چالش‌های تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه دوم از دیدگاه دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس بررسی شده است. به طور کلی، آسیب‌های تربیت دینی دانش آموزان

دوره متوسطه دوم از نظر مصاحبه‌شوندگان را می‌توان به حوزه‌های زیر مربوط دانست. ۱- برخی از این آسیب‌ها مربوط به برنامه درسی دوره متوسطه دوم می‌باشد: مواردی همچون ناکافی و نارسا بودن برنامه‌های پرورشی مدارس، عدم توجه محتوای درسی معارف اسلامی به نیازهای رشدی دانش‌آموزان، نمره محوری و تأکید بر حفظ مفاهیم. تحقیقات دانش‌گر و همکاران (۱۳۸۵)، نگارش و همکاران (۱۳۸۸)، شمشیری و نوذری (۱۳۹۰)، کریمی (۱۳۷۴)، چراغ چشم (۱۳۸۶)، کشاورز (۱۳۸۷) بر چنین آسیب‌هایی در تربیت دینی تأکید داشته‌اند. ۲- آسیب‌هایی که متوجه مربیان می‌باشد: به روز نبودن دانش دبیران معارف اسلامی و مربیان پرورشی، نا‌آشنایی برخی از معلمان و والدین دانش‌آموزان با خصوصیات دوره بلوغ، نامناسب بودن اخلاق و رفتار دینی برخی از معلمان. تحقیقات دلبری (۱۳۸۷)، پورنیکبختی (۱۳۹۱)، قائمی مقدم (۱۳۸۵) و چراغ چشم (۱۳۸۶) بر چنین آسیب‌هایی در تربیت دینی تأکید داشته‌اند. ۳- آسیب‌های که مربوط به حوزه خانواده می‌باشد: وجود فقر در برخی از خانواده‌ها، الگوپردازی نامناسب برخی از دانش‌آموزان از چهره‌های هنری و ورزشی، پایبند نبودن برخی از خانواده‌ها به آداب و رسوم دینی، وجود اعتیاد در برخی از دانش‌آموزان. پژوهش‌های قائمی مقدم (۱۳۸۵)، شمشیری و نوذری (۱۳۹۰)، دلشاد تهرانی (۱۳۸۰)، و محمودی (۱۳۹۶) بر چنین آسیب‌هایی در تربیت دینی تأکید داشته‌اند. ۴- آسیب‌هایی که مربوط به عملکرد نامناسب دستگاه‌های دولتی می‌باشد: تأثیر مخرب بیکاری فزاینده جوانان بر روحیه دینی دانش‌آموزان، ناکافی بودن امکانات تفریحی- ورزشی برای دانش‌آموزان، تأثیر منفی برنامه‌های ماهواره بر تربیت دینی دانش‌آموزان، استفاده نامناسب از فضای مجازی، مربوط به این حوزه می‌باشد. پژوهش‌های دلشاد تهرانی (۱۳۸۰)، رحمان‌پور و میرشاه جعفری (۱۳۹۵)، محمودی (۱۳۸۶) بر چنین آسیب‌هایی در تربیت دینی تأکید نموده‌اند.

عدم همکاری برخی از مشاوران مدارس و دبیران معارف اسلامی در انجام مصاحبه، از محدودیت‌های این پژوهش بوده است.

منابع

۴۴. باقری، خسرو (۱۳۸۳). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.
۴۵. باهنر، باقری، خسرو (۱۳۸۰). چپستی تربیت دینی. تهران: انتشارات تربیت اسلامی.
۴۶. ناصر (۱۳۷۸). آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران: انتشارات بین‌الملل سازمان تبلیغات.
۴۷. به‌بی، ارل (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
۴۸. پورنیکبختی، کبری (۱۳۹۱). تبیین و آسیب‌شناسی تربیت دینی و رابطه آن با روان‌شناسی رشد. تربیت تبلیغی، ۱(۹۱)، ۶۶-۹۷.

۴۹. تجاسب، کامیاب (۱۳۷۹). نگاه نظام آموزشی به دین (چاپ اول). تهران: انتشارات امجد.
۵۰. چراغ چشم، ع (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس. فصلنامه کتاب نقد، ۴۲، ۱۶۲-۱۵۷.
۵۱. حاجی ده آبادی، محمد علی (الف ۱۳۸۰). آسیب‌شناسی روش اسوه‌پردازی در تربیت دینی. فصلنامه پژوهش‌های تربیت اسلامی، ۶، ۱۴۱-۱۳۴.
۵۲. حاجی ده آبادی، محمد علی (ب ۱۳۸۰). بررسی و نقد اجمالی منابع موجود در زمینه آسیب‌شناسی تربیت دینی. مجله پژوهش‌های تربیت اسلامی، تابستان ۱۳۸۰، ۶، ۳۵۹-۳۳۳.
۵۳. هادانشرگر، سعید؛ جعفری، سید ابراهیم؛ لیاقت دار، محمد جواد (۱۳۸۳). آسیب‌پذیری تربیت دینی و زمینه‌های آموزشگاهی آن. فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۳، ۵۲-۳۳.
۵۴. داودی، محمد (۱۳۸۴). تربیت دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۵. دلبری، سید محمد (۱۳۸۷). آسیب‌های تعلیم و تربیت دینی از نگاه آیت الله دکتر شهید بهشتی. مجله رشد آموزش معارف اسلامی، تابستان ۱۳۸۷، ۶۹، ۱۳-۴.
۵۶. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۰). رهنمایان دین؛ آسیب‌شناسی دین و دینداری در نهج البلاغه (چاپ دوم). تهران: دریا.
۵۷. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۰). سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا.
۵۸. رحمان پور، م؛ میرشاه جعفری، س. (۱۳۹۵). آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راه کارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، ۲۴(۳۲)، ۵۲-۳۱.
۵۹. مؤسسه ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۶). ابزارها و روش‌های آسیب‌زا در تعلیم و تربیت دینی دانش‌آموزان. فصلنامه کتاب نقد، ۴۲، ۳۲-۳.
۶۰. شمشیری، بابک، و نودری، مرضیه (۱۳۹۰). آسیب‌های تربیت دینی کودکان مقطع پیش‌دبستانی. فصلنامه تربیت اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۷۳-۵۱.
۶۱. صادق زاده قمصری، علیرضا (۱۳۸۴). تربیت اسلامی. تهران: نشر تربیت اسلامی.
۶۲. صالحی، اکبر (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل عوامل و موانع مؤثر در تربیت دینی بر مبنای سخنان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه. فصلنامه تربیت اسلامی، ۴ (۹)، ص ۹۴-۷۵.
۶۳. قایمی مقدم، محمد رضا. (۱۳۸۵). روش‌های آسیب‌زا در تربیت. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶۴. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۷۴). تربیت آسیب‌زا، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۶۵. کشاورز، سوسن (۱۳۸۷). شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی. فصلنامه تربیت اسلامی، ۳ (۶) ص ۹۳-۱۲۲.
۶۶. گال، مردیت، و بورگ، والتر (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (نصر و همکاران). تهران: انتشارات سمت.
۶۷. مارشال، کاترین، و راسمن، گرچمن (۱۳۸۱). روش تحقیق کیفی (علی پارساییان و محمد اعرابی مترجم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۶۸. محمودی، سیروس (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی تربیت دینی دانشجویان از نظر اعضای هیأت علمی و

- دانشجویان دانشگاه پیام نور، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۱(۱)، ۴۷-۶۲.
۶۹. مشایخی راد، شهاب‌الدین (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت دینی. مجموعه مقالات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷۰. نگارش، حمید، و ناهید، دامن پاک (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی تربیت اسلامی در مدارس راهنمایی استان قم. مجله مدیریت فرهنگی، ۳ (۵)، ۳۷-۵۹.
۷۱. همت به ناری، علی (۱۳۸۰). نگاهی به عوامل آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوانان و جوانان (با تأکید بر عوامل آسیب‌زا در نظام آموزش و پرورش). مجله پژوهش‌های تربیت اسلامی، تابستان ۱۳۸۰، ۶ ۱۸۶-۱۷۱.
72. Carr, D. R. (1998). *Three approaches to moral education, education: philosophy, and theory*. New York.
73. Cohen, L. & Manion, L. (1986). *Research methods in education*. London, Routledge.
74. Hsieh, H. F. , & Shannon, S. E. (2005). *Three approaches to qualitative content analysis*. Qual Health Res. , Fooyin University, Taiwan University Washington.